

نقد و ارزیابی کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم

مجید معارف*

حسین تقی‌پور**

چکیده

قرآن کریم کتابی معرفت‌بخش و واقع‌نماست که حسب آیات قرآن، روایات، و عقل به شرح و تفسیر نیاز دارد. در طول تاریخ مفسران بسیاری براساس روش‌ها، گرایش‌ها، و مکاتب مختلف تفسیری به شرح و تفسیر این کتاب آسمانی روی آورده‌اند. بر همین اساس تفسیر قرآن سیر تکاملی به خود گرفته و تا عصر حاضر که تفاسیر کامل یا برخی از اجزای قرآن به‌نگارش درآمده است تفسیرنویسی ادامه یافته است. در این میان کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم اثر آقای قدرت‌الله مشایخی از سوی انتشارات سمت برای درس تفسیر ترتیبی گرایش علوم قرآن و حدیث رشته الهیات به‌تألیف درآمده است. در این مقاله محاسن و معایب کتاب مذکور از جنبه شکلی و محتوایی نقد و ارزیابی می‌شود و باتوجه به نواقص موجود پیش‌نهاد می‌شود پس از اعمال ویرایش علمی به‌عنوان منبع درس تفسیر ترتیبی در مقطع کارشناسی استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تفسیر ترتیبی، روش‌های تفسیری قدرت‌الله مشایخی.

۱. مقدمه

دانش تفسیر قرآن از صدر اسلام آغاز شد؛ چراکه به‌جهت اهمیت شرح و تفسیر کلام خداوند به گواهی قرآن^۱ اولین مفسر و مبین قرآن پیامبر بودند که آیات قرآن را برای مسلمانان و پیروان خویش به‌صورت شرح اصطلاحات قرآنی، شرح واژگان، تفسیر مطلق،

* استاد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، maaref@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی (نویسنده مسئول)، Noremobin_111@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۱

تخصیص عام، تفسیر قرآن به قرآن، نکات اخلاقی، امامت و ولایت، و ویژگی‌های بهشت و جهنم تفسیر می‌کردند. صحابه آن حضرت نیز هرگاه در فهم معانی آیات دچار مشکل می‌شدند به ایشان مراجعه می‌کردند و معانی آیات را فرامی‌گرفتند. بعد از وفات پیامبر تفسیر قرآن در عصر صحابه ادامه یافت و بدون تردید و براساس اسناد موجود و روایات معتبر از شیعه و سنی پس از رسول خدا داناترین مردم به تفسیر قرآن حضرت علی بوده است (ابن‌اثیر جزری ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ۵۹۷؛ ابن‌سعد ج ۲، ۲۵۸). علاوه بر حضرت علی برخی از صحابه مانند ابن‌عباس و عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و ... در امر تفسیر قرآن پیش‌رو بودند که در این زمان تفسیر در سطح ابتدایی و ساده مطرح می‌شده و بیش‌تر جنبه روایی داشته است که به این ترتیب تفسیر روایی یکی از قدیمی‌ترین سبک‌های تفسیری در شیعه و سنی است. تفسیر قرآن بعد از صحابه در دوران تابعین رواج بیش‌تری یافت که در این میان اهل‌بیت پیامبر جایگاه و نقش ویژه‌ای داشتند و روایات تفسیری بسیاری از این بزرگواران برجای مانده است.

در این میان گروهی نیز براساس خواسته‌های شخصی یا گروهی بدون ضابطه و قرائن قرآن را تفسیر و تأویل کردند و بحث «تفسیر به رأی» پدید آمد که در احادیث پیامبر و اهل‌بیت به شدت با این موضوع برخورد شد و آن را ممنوع کردند.

کم‌کم از قرن دوم به بعد و به دلیل برخی از تحولات اجتماعی و فرهنگی، روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری به وجود آمد. از این‌جا بود که بحث‌های کلامی و فلسفی پدیدار شد و رفته‌رفته گرایش‌های تفسیری - کلامی شکل گرفتند. به همین دلیل، اختلافات مذهبی که از قرن نخست آغاز شده بود با اختلافات مذاهب فقهی نیز هم‌راه شد و بر تفسیر آیات فقهی قرآن نیز اثر گذاشت. برخی از محدثان اهل سنت و شیعه به نقل احادیث اکتفا کردند و بیش‌تر به گرایش «تفسیر روایی» اکتفا کردند. پس از آن عرفا و متصوفه نیز روش تفسیر «اشاری» را پایه‌گذاری کردند (رضایی اصفهانی ۱۳۹۰: ۱۶). به همین ترتیب در طول تاریخ اسلام و سده‌های مختلف شاهد شکل‌گیری گرایش‌های تفسیری متعددی هم‌چون ادبی، روایی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی، و ... هستیم. در دهه‌های اخیر، با پیشرفت چشم‌گیر علوم تجربی، نوعی تفسیر با صبغه علمی نیز نگاشته شد که گاهی شاهد افراطی‌گری‌هایی در آن‌ها هستیم؛ مثلاً برخی از این مفسران سعی کرده‌اند، برای اثبات حقانیت قرآن، کشفیات جدید علمی را بر قرآن تطبیق دهند (جلالیان ۱۳۷۸: ۲۳۵). بدین‌گونه تفسیر راه تکامل خود را پیمود و کتاب‌های تفسیری هرکدام سمت‌وسوی خاصی به خود گرفتند.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم تألیف حجت الاسلام و المسلمین قدرت‌الله مشایخی با ویراستاری علمی دکتر مجید معارف (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران) در ۴۹۳ صفحه در سال ۱۳۹۲ در قطع وزیری، تک‌رنگ با جلد شومیز، از سوی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی با تیراژ ۱۰۰۰ چاپ و تکثیر شده است. این کتاب دارای سخن ناشر (سمت)، پیش‌گفتار، تفسیر یازده سوره، و منابع و مآخذ است.

زبان اصلی کتاب فارسی است. در مواردی که اصل آیات به زبان عربی در کتاب ذکر شده است، ترجمه آیات نیز ذیل آن بیان شده است. این کتاب تصویری ندارد و صرفاً آموزشی است. از نظر شکلی، در تفسیر هر یک از یازده سوره وحدت رویه وجود دارد که مباحث هر سوره شامل معرفی سوره، فضیلت تلاوت، ذکر آیات برای تفاسیر، ترجمه، واژه‌شناسی، نکته‌های ادبی و ترکیبی، و تفسیر آیات است.

۳. تحلیل و بررسی ابعاد شکلی اثر

در بررسی ابعاد شکلی اثر، امتیازها و کاستی‌هایی به چشم می‌خورد؛ از جمله:

۱.۳ امتیازهای کتاب

۱.۱.۳

کیفیت کتاب از جنبه صحافی و چاپ بسیار مناسب و مطلوب است. اندازه و نوع قلم‌های استفاده‌شده در کتاب مناسب کتاب درسی است، ضمن این‌که قلم و نحوه چینش آیات با سایر متن کتاب متفاوت است و همین موضوع سبب وضوح مشاهده آیات در کتاب است. طرح جلد کتاب از نمادها و طرح‌های تذهیب اسلامی بهره برده است که این طراحی با عنوان کتاب سنخیت دارد، علاوه بر این‌که طرح جلد از زیبایی بصری برخوردار است، عنوان کتاب در آن با خط زیبای نستعلیق به‌نگارش درآمده است.

۲.۱.۳

از جنبه ادبی و ویراستاری، این اثر متقن و قابل دفاع است. جملات با نثری شیوا و گویا، به‌دوراز هرگونه اطناب ممل و یا ایجاز مخل به‌نگارش درآمده و مؤلف حتی‌الامکان از

کلمات و جملات ثقیل و مغلق غیرفصیح اجتناب کرده است. قلم ساده و روان اثر سبب شده است اثر برای مخاطبان آن قابل فهم و درک باشد.

۳.۱.۳

این کتاب در سازمان سمت به دست استاد دانشگاه تهران جناب آقای دکتر مجید معارف (از راقمان این سطور) ویرایش ادبی و علمی شده است که همین موضوع بر غنای علمی اثر افزوده است.

۴.۱.۳

تناسب کتاب از جنبه تعداد صفحات آن (۴۹۰ صفحه) برای دو درس دوواحدی (۴ واحد) مناسب ارزیابی می‌شود.

۲.۳ کاستی‌های موجود

۱.۲.۳ صفحه‌آرایی

شایسته است کتاب از جنبه صفحه‌آرایی و زیبایی‌های بصری، با توجه به قابلیت‌های موجود در امر جذاب‌سازی کتاب، همانند استفاده مناسب از فضای حاشیه‌ای خالی کتاب، استفاده از رنگ دوم برای کرد بیش‌تر عنوان‌های کتاب و یا استفاده از تذهیب‌های اسلامی در متن، تنوع قلم و اندازه آن، و ... مقداری جذاب‌تر باشد تا یک‌نواختی صفحه‌آرایی سبب خستگی چشم مخاطب نشود و با ایجاد جذابیت‌های لازم، تاحدی که به محتوا لطمه نزند، سبب میل و رغبت بیش‌تر دانشجویان به مطالعه کتاب شود. هم‌چنین مطلوب است شروع فصل‌ها از صفحات فرد کتاب آغاز شود و عنوان هر فصل با کارهای گرافیکی و هنری به‌طور مشخص طراحی و صفحه‌بندی شود.

۲.۲.۳ انتخاب نوع و اندازه قلم متن

در تعیین نوع و اندازه قلم عنوان‌ها و مطالب مهم کتاب مناسب است که از تنوع قلمی و اندازه‌های مختلف و مخصوصاً استفاده از رنگ دوم برای جداسازی عنوان‌ها و متن کتاب استفاده شود تا خواننده راحت‌تر بتواند متن و عنوان‌ها و نکات مهم کتاب را از هم تشخیص دهد.

۳.۲.۳ قیمت کتاب

با عنایت به این که این کتاب از سوی سازمان سمت چاپ و نشر یافته و کتابی درسی است به نظر می‌رسد قیمت کتاب می‌توانست کم‌تر از ۲۰۰.۰۰۰ ریال باشد.

۴.۲.۳ یک‌سان نبودن علائم اختصاری بعد از نام ائمه

بعد از اسامی اهل بیت در اکثر موارد علائم اختصاری مثل (ع)، (ص)، و در برخی موارد نیز (مثل صفحه ۴۶۶) عبارات «سلام و صلوات» به‌طور کامل ذکر شده است و در برخی موارد، مثل صفحه ۳۰۱، حتی هیچ‌گونه علامتی بعد از نام‌های مقدس حضرات معصومان ذکر نشده است. با توجه به وجود قلم‌ها و علائم اسلامی شایسته بود در حروف چینی به‌صورت یک‌نواخت و یک‌پارچه از ذکر علائم اختصاری اجتناب شود و عبارت‌های «سلام» و «درود بر پیامبر و اهل بیت» به‌طور کامل در سراسر کتاب ذکر شود.

۵.۲.۳ فهرست‌گیری اجمالی

فهرست عناوین و مطالب کتاب بسیار مجمل است و صرفاً در حد نام سوره‌هاست که جا دارد فهرست تفصیلی به‌همراه ذکر اعلام در انتهای کتاب درج شود.

۶.۲.۳ ذکر مباحث علوم قرآنی به‌طور ناقص

در ابتدای کتاب، در بخش پیش‌گفتار تحت عنوان مباحث مقدماتی بخشی از مباحث علوم قرآنی به‌صورت مختصر بیان شده است. با عنایت به این که مخاطبان کتاب (دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث) درس علوم قرآنی را به‌عنوان پیش‌نیاز این درس گذارنده‌اند، با مباحث علوم قرآنی به‌صورت نسبتاً مبسوط و فراتر از مباحث علوم قرآنی این کتاب آشنایند. اگر نویسنده نیم‌نگاهی هم به مخاطب عام و عموم جامعه در بهره‌گیری از این کتاب داشته است، باز طرح این مطالب به‌دلیل موجز بودن چندان مفید نخواهد بود. این موجزگویی سبب می‌شود مؤلف در برخی موارد دقت علمی لازم را نکند؛ برای نمونه در صفحه ۲ در معنای تفسیر گفته شده است: «تفسیر عبارت است از تلاش و کوشش در راه رسیدن به معانی معقول در آیات قرآن کریم و آنچه در روایات به 'بطون' تعبیر شده است». این در حالی است که در کتب تخصصی علوم قرآنی تفاوت‌هایی بین تفسیر و تأویل مطرح است؛ در تعریف علم تفسیر گفته شده است هدف اصلی علم تفسیر دستیابی به مدلول آیات قرآن و مراد خداوند متعال است (شاکر ۱۳۸۹: ۱۸). هم‌چنین در تعریف

دیگری حوزه تفسیر را کشف و پرده برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد آن‌ها بیان کرده‌اند؛ به‌دیگرسخن مقصود از تفسیر تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکارکردن مراد جدی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی و محاوره است (رضایی اصفهانی ۱۳۹۰: ۱۴).

اما باتوجه به تعریفی که از بطن قرآن در منابع تخصصی مربوطه صورت پذیرفته است بطن غیر از تفسیر محسوب می‌شود و حوزه بطن قرآن فراتر از مدلول‌های لفظی و توضیح مقاصد کلمه‌ها و جمله‌هاست و در واقع بطن قرآن همان تأویل قرآن (نجاززادگان ۱۳۹۰: ۷۸) و یا لایه‌های درونی و رمزی و اشاری قرآن است (شاکر ۱۳۸۹: ۳۲). البته در گذشته بین قدما واژه تأویل و تفسیر به یک معنا به‌کار برده می‌شد (بنگرید به طبری ۱۴۱۲ ق).

۷.۲.۳ یک‌سان‌نبودن مباحث واژه‌شناسی در کتاب

مؤلف در ذیل هر سوره و یا هر بخش تفسیری به ترتیب مباحث «معرفی سوره»، «فضیلت تلاوت»، «ذکر آیات برای تفاسیر»، «ترجمه»، «واژه‌شناسی»، «نکته‌های ادبی و ترکیبی»، و «تفسیر» را ذکر کرده است که این ترتیب در کل کتاب وجود دارد؛ اما بحث واژه‌شناسی در برخی موارد ارائه نشده است، مثل سوره حجرات که اصلاً بحث واژه‌شناسی ندارد یا در برخی سوره‌ها در برخی از بخش‌ها آمده و در برخی بخش‌ها نیامده است. مثلاً آیات ۳۴ تا ۴۰ سوره واقعه واژه‌شناسی ندارد، در حالی که برخی واژه‌ها مثل «عُرباً اتراباً» در آیه ۳۷ واقعه نیاز به تحلیل واژگان‌شناسی دارد یا در آیات ۷۱ تا ۷۴ همین سوره بحث واژه‌شناسی ندارد، در حالی که کلماتی در این چند آیه وجود دارد که نیاز به بررسی لغت آن است. این یک‌نواخت‌نبودن در واژه‌شناسی در کل کتاب مشهود است و ضرورت داشت دقت لازم در این زمینه به‌عمل آید.

۸.۲.۳ شماره‌گذاری نکردن در ترجمه

مناسب است در ترجمه نیز مانند متن آیات شماره آیات ذکر شود تا برای تطبیق ترجمه و آیه و بررسی آن برای خوانندگان سهولت بیشتری ایجاد شود.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

در بررسی ابعاد محتوایی اثر، امتیازها و کاستی‌هایی به‌چشم می‌خورد؛ از جمله:

۱.۴ امتیازات

کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم به عنوان منبع آموزشی درس تفسیر ترتیبی ۱ تا ۳ دارای ویژگی‌های مثبتی است که به برخی از آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود:

۱.۱.۴ دسته‌بندی آیات بر اساس ارتباط سیاقی، موضوعی، و مفهومی

برای تفسیر یک سوره، مفسر هم می‌تواند هریک از آیات را جداگانه بیان کند و در ذیل آن به مباحث تفسیری بپردازد و هم می‌تواند، با دسته‌بندی منطقی و منسجم و کنارهم نهادن آیاتی که از نظر موضوع و مفهوم نزدیک به هم‌اند، به مباحث تفسیری آن دسته از آیاتی بپردازد که انسجام محتوایی و سیاقی دارند. یکی از اصول و روش‌های تفسیر توجه مفسر به سیاق آیات است (بنگرید به رجبی ۳۸۳: ۹۳-۹۶) که این کتاب به این قاعده تفسیری توجه داشته و همین موضوع سبب تفسیر و تبیین بهتر و دقیق از آیات شده است.

۲.۱.۴ جامعیت محورهای مرتبط مباحث تفسیری ذیل آیات

مؤلف محترم کتاب، بعد از ذکر آیاتی که در یک موضوع قرار دارند، در مرحله اول آیات را ترجمه کرده و پس از ترجمه به شرح واژه‌ها و مفردات موجود در آیات اشاراتی داشته است که مخاطب با مطالعه این دو بخش به‌طور کامل با مفهوم، ترجمه، معنای واژه‌ها، و مفردات آیات آشنا می‌شود که این مسئله زمینه‌سازی مباحث تفسیری را فراهم می‌سازد.

بحث دیگری که در کنار واژگان‌شناسی در تفسیر قرآن باید بدان توجه داشت نکات ادبی و بلاغی است؛ چراکه یکی از وجوه اعجاز قرآن اعجاز در بعد فصاحت و بلاغت است و با تبیین دقیق این وجه از وجوه اعجاز نکات تفسیری متعددی به‌روی مخاطبان گشوده خواهد شد که مؤلف محترم از این بخش غافل نبوده است.

در کنار این مباحث مؤلف محترم از روش‌های دیگر تفسیری مثل تفسیر روایی، تفسیر عقلی، و در برخی مواقع تفسیر قرآن به قرآن سود جسته است. بنابراین با کنارهم نهادن این روش‌ها مؤلف محترم سعی داشته است با بهره‌گیری جامعی از روش‌های مختلف تفسیری مثل لغوی، ادبی، روایی، و ... آیات را تفسیر کند.

۳.۱.۴ استفاده از نظرهای تفسیری مفسران برجسته فریقین

باتوجه به این که قرآن از جنبه‌های گوناگون مثل فصاحت و بلاغت، علوم و معارف، علوم عقلی و علمی، و ... اعجاز دارد، در طول تاریخ برخی از مفسران از منظر خاصی به تفسیر

قرآن روی آورده‌اند، برای نمونه تفسیر زمخشری در زمینه تفسیر ادبی سرآمد تفاسیر ادبی است و یا طنطوی به‌طور مبسوط در حوزه اعجاز علمی و ملاصدرا در حوزه علوم عقلی و فلسفی وارد شده است و یا برخی از مفسران از جنبه روایی تفاسیر را بررسی کرده‌اند و جزء تفاسیر شاخص و برجسته در آن حوزه شناخته می‌شوند. در این اثر، هنگامی که مؤلف به مباحث ادبی و بلاغی می‌رسد، از تفاسیر ادبی و اعراب‌القرآن استفاده می‌کند، هنگامی که به مباحث روایی روی می‌آورد به‌درستی از کتب و منابع روایی مرجع و شاخص استفاده می‌کند، و همین‌طور در بحث شأن نزول به منابع معتبر در این حوزه ارجاع می‌دهد که این سبک رجوع به کتب تفسیری از مزیت‌های این کتاب است، ضمن این‌که در سراسر این کتاب از نظرهای مفسران و تفاسیر برجسته فریقین مثل مجمع‌البیان، المیزان، نمونه، درالمشور، تفسیر فخر رازی و ... استفاده کرده و همین مسئله سبب غنای علمی این اثر شده است.

۴.۱.۴ ارائه تفسیر موضوعی در کنار تفسیر ترتیبی

همان‌طور که از نام کتاب پیداست، این کتاب اثری است که به‌صورت ترتیبی یازده سوره از قرآن کریم را از ابتدا تا انتهای آن تفسیر کرده است. در اثنای تفاسیر آیات، برخی از مفاهیم و موضوعات قرآنی وجود دارد که آیه بر آن مسئله تأکید کرده است. مؤلف محترم به این مسئله توجه داشته و آن کلیدواژه‌گانی را انتخاب کرده است که بیش‌تر مورد نظر سوره بوده است و به شرح و تفصیل آن موضوع پرداخته است. همانند بحث تقوا در صفحه ۳۵۸، بحث وحدت و تفرقه در صفحه ۳۳۴، جهان برزخ در صفحه ۱۹۴، و ... ضمن این‌که هریک از این موضوعات خود می‌تواند موضوعی برای تحقیق و پژوهش دانشجویان باشد.

۵.۱.۴ تناسب تقریبی کتاب با سرفصل‌های دانشگاهی

در مقطع کارشناسی، دانشجویان در دروس تخصصی ملزم به گذراندن تفسیر ترتیبی ۱ و ۲ هستند و هم‌چنین در دروس اختیاری تفسیر ترتیبی ۳ پیش‌بینی شده است و این کتاب برای منبع درسی مقطع مزبور پیش‌نهاد شده است.

در برنامه‌های تفسیر دانشگاه‌ها معمولاً سوره‌های حمد، انبیاء، حج، یس، اسراء، واقعه، حجرات، ۱۰۰ آیه اول بقره، جمعه، مؤمنون خوانده می‌شود که این کتاب حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد از سرفصل‌های این دروس را پوشش می‌دهد.

۶.۱.۴ استفاده بهینه و پررنگ از روش تفسیر روایی

روش تفسیر روایی قرآن از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین روش‌های تفسیری است که جایگاه ویژه‌ای در روش‌های تفسیری داشته و همیشه مورد توجه مفسران بوده است، به گونه‌ای که برخی از مفسران فقط از این روش پیروی کرده و روش‌های دیگر را نفی کرده‌اند. البته گرایش‌های مخالف و معتدل نیز در مورد آن وجود داشته است. با ملاحظه احادیث تفسیری درمی‌یابیم که این روایات از زوایای گوناگون به آیات قرآن نظر داشته و در تفسیر آیات قرآن نقش‌های متفاوتی را بر عهده گرفته‌اند که در ذیل به بخشی از کارکردهای تفسیر روایی که مورد توجه مؤلف محترم کتاب بوده و از آن در تفسیر آیات استفاده کرده است اشاره می‌کنیم:

۱.۶.۱.۴ تفسیر و توضیح آیه

برخی از روایات تفسیری لغت‌های موجود در آیه را توضیح و کلمات مجمل و مبهم را شرح داده‌اند و پرده از الفاظ مشکل قرآن برداشته‌اند که این مهم‌ترین کارکرد تفسیر روایی است. برای نمونه در صفحه ۱۹۱ در تفسیر «همزات شیطان» در آیه «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» از امام نقل شده است: مقصود آن دسته از وسوسه‌های شیطان است که در قلب اثر می‌گذارد و یا در روایت ذکر شده در صفحه ۳۷۰ منظور از خافضه و رافعه در سوره واقعه گفته شده است: «قیامت خافضه است، چراکه به خدا سوگند دشمنان خدا را در آتش می‌اندازند و رافعه است، چراکه به خدا سوگند اولیای خدا را به بهشت برمی‌افرانند».

۲.۶.۱.۴ تطبیق آیه بر مصداق خاص

برخی از احادیث تفسیری مورد و مصداق آیه را بیان می‌کند، برای مثال در صفحه ۲۹۲، ذیل آیه ۵۵ سوره نور «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» در روایات متعدد آمده، مصداق آیه را به حکومت جهانی حضرت مهدی در آخرالزمان تطبیق داده‌اند. در صفحه ۱۶۲ ذیل آیه ۵۰ سوره مؤمنون در تفسیر معنای «ربوه ذات قرار معین» «ربوه» را بر حیره و «ذات قرار معین» را بر کوفه تطبیق داده‌اند.

۳.۶.۱.۴ بیان احکام بحث

گاهی احادیث برخی مطالب جزئی فقهی آیه را توضیح می‌دهند که در متن قرآن نیامده است، بلکه از طریق سنت به ما رسیده است. همانند تفاسیر روایی فقهی درباره متعه در

صفحه ۲۶ ذیل آیه ۲۴ نساء، بحث زکات در صفحه ۱۹۳ ذیل آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون، و بحث مس‌نکردن قرآن بدون وضو در صفحه ۴۰۸ ذیل آیه ۷۹ سوره واقعه.

۴.۶.۱.۴ اشاره به وجوه اعجاز علمی قرآن

یکی از وجوه اعجاز قرآن اعجاز علمی است که در آن به حقایق از نظام هستی اشاره شده است که کشف این حقایق به‌طور طبیعی نیاز به تحقیقات علمی وسیع و فراوانی دارد، همانند بحث زوجیت و یا کرویت زمین و ... که در سده‌های اخیر علوم تجربی این حقایق را اثبات کرده‌اند. در روایات تفسیری اهل بیت به برخی از وجوه اعجاز علمی قرآن اشاراتی شده است که این موضوع در ذیل تفسیر برخی از آیات آمده است، به‌طوری‌که آفت‌های تفسیر علمی دوره بوده است به‌طور مختصر مورد توجه مؤلف اثر بوده است؛ برای نمونه در صفحه ۴۳۹ ذیل آیه «النجم الثاقب» امام صادق در پاسخ به سؤالی می‌فرماید: «منظور از ثاقب ستاره زحل است که طلوعش در آسمان هفتم است و نورش آسمان‌ها را می‌شکافد و به آسمان پایین می‌رسد». در صفحه ۱۴۲ ذیل آیه ۲۵ سوره مریم درباره اهمیت خرما در درمان برخی از بیماری‌های زنان از حضرت علی و امام باقر روایتی نقل شده است.

۵.۶.۱.۴ تأویل

برخی از احادیث پیامبر و اهل بیت در مقام بیان بطون و تأویل آیات‌اند، بدین معنا که چون آنان به تمام مراتب و لایه‌های مختلف و طولی قرآن دست‌رسی دارند، در برخی از موارد در تبیین شرح و مراد آیه فراتر از تبیین ظاهری و مدلول‌های لفظی (که اصطلاحاً به آن تفسیر گفته می‌شود) رفته و به بطون قرآن اشاراتی کرده‌اند. روش مفسران این است که بطن و تأویل آیات را در مباحث روایی در تفسیر خود ذکر می‌کنند که در این کتاب نیز روایت‌های تأویلی مورد توجه مؤلف محترم قرار گرفته است.

برای نمونه در صفحه ۱۹۹، آیه ۱۰۲ سوره مؤمنون «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» موازین که جمع میزان و وسیله سنجش و وزن است در روایات به حضرت علی و امامان دوازده‌گانه تأویل شده است. هم‌چنین در تأویل آیه ۳۵ سوره نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...» در صفحه ۲۶۹ مشکات را به حضرت فاطمه، مصباح را به امام حسن، و زجاجه را به امام حسین و یا در دسته‌ای دیگر از روایات مشکات به قلب پیامبر، مصباح نور به علم، و زجاجه به حضرت علی تأویل شده است.

۶.۶.۱.۴ شأن نزول

بسیاری از احادیث بیان‌گر اسباب‌النزول آیات قرآن هستند؛ یعنی زمان و مکان یا واقعه‌ای را بیان می‌کند که طی آن یا پس از آن آیه‌ای نازل شده است که غالباً این مطلب در روشن‌شدن مفاد آیه تأثیر به‌سزایی دارد، همانند شأن نزول مطرح‌شده از امام باقر و امام صادق در صفحه ۲۱۸ درباره آیه ۳ سوره نور که طبرسی در مجمع‌البیان با سند خود آن را نقل کرده است که در این حدیث امام شأن نزول آیه را مختص به زمان پیامبر و واقعه‌ای که باعث سبب نزول آن شده است ندانسته است، بلکه آن را در همه اعصار جاری و حکم آن را عام دانسته است و از همین دسته روایات تفسیری شأن نزول در مباحث علوم قرآنی قاعده خاص نبودن حکم آیه به سبب نزول آن برداشت شده است (حجتی ۱۳۷۷: ۱۵۲).

۲.۴ بیان کاستی‌ها

۱.۲.۴ فقدان یا ضعف در معرفی سوره در ابتدای تفسیر سوره‌ها

از مواردی که به فهم و درک بهتر آیات کمک می‌کند و در مواجهه اولیه مخاطب با سوره سبب آشنایی با محتوا و پیام‌های آن می‌شود ارائه کلیاتی از موضوعات و محور و پیام‌های اصلی سوره است که معمولاً مفسران در آغاز تفسیر هر سوره در کنار اطلاعات سوره‌شناسی به آن می‌پردازند. اما این اثر فاقد این موضوع است.

مثلاً در سوره مؤمنون در بحث معرفی سوره در کتاب ذکر شده است (این سوره در مکه نازل شده است و ۱۱۸ آیه دارد). این‌گونه معرفی سوره بسیار مجمل است و در واقع معرفی‌ای از سوره ارائه نشده است، درحالی‌که می‌توان در معرفی سوره مؤمنون به موارد زیر اشاره کرد که در شناخت این سوره کمک شایانی به مخاطبان می‌کند:

سوره مؤمنون، هفتاد و چهارمین سوره قرآن کریم بعد از سوره انبیاء، در مکه بر پیامبر نازل شده است و به نظر می‌رسد حدود سال هشتم بعثت نازل شده باشد (زحیلی ۱۴۱۸ ق: ج ۱۰، ۵) در ترتیب فعلی قرآن مجید بیست و سومین سوره قرآن است که بعد از سوره «حج» و قبل از سوره «نور» قرار دارد و دارای ۱۱۸ آیه است.

مطالب سوره نشان می‌دهد که این سوره مکی است، زیرا بیش‌تر در زمینه اصول عقیدتی مثل توحید، نبوت، معاد، و نظام حاکم بر جهان صحبت می‌کند که این موضوعات از مشخصات سوره‌های مکی است (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۵، ۶). دلیل نام‌گذاری آن به

«سوره مؤمنون» ظاهراً آن است که این سوره با احوال مؤمنان شروع می‌شود، آن‌همه اوصاف عالی و ترسیم بسیار زیبا سبب شده است که نام این سوره «مؤمنون» باشد (قاسمی ۱۴۱۸ ق: ج ۷، ۲۸۰؛ زحیلی ۱۴۱۸ ق: ج ۵، ۱۸).

به‌ظاهر، شأن نزولی برای این سوره نقل نشده است، اما ضرورت موقعیت ایجاب می‌کرده است که در تداوم وحی آسمانی این مطالب ارزنده یادآوری و بیان شود تا مؤمنان بدانند ایمان تنها با زبان کافی نیست، بلکه لازمه‌اش عمل است و نیز آن‌ها و کافران بدانند که کفر و شرک و اعمال ناشایست در دنیا و آخرت پیامد ناگواری دارد.

مجموع مطالب محتوای سوره مؤمنون را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

بخش اول از آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» آغاز می‌شود و تا چندین آیه بعد بیان‌گر صفاتی است که مایه فلاح و رستگاری مؤمنان است و این اوصاف آن‌قدر حساب‌شده و جامع است که جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ در بخش دوم به نشانه‌های مختلف خداشناسی، آیات آفاقی و انفسی پروردگار در پهنه عالم هستی، اشاره کرده است و نمونه‌هایی از نظام شگرف عالم آفرینش را در آسمان و زمین و آفرینش انسان و حیوانات و گیاهان برمی‌شمارد؛ برای تکمیل جنبه‌های عملی در بخش سوم سرگذشت عبرت‌انگیز جمعی از پیامبران بزرگ هم‌چون حضرات نوح، هود، موسی، و عیسی را شرح می‌دهد و فرازهایی از زندگی آن‌ها را بیان می‌کند؛ در بخش چهارم روی سخن با مستکبران است و با دلایل منطقی و گاه با تعبیرات تند و کوبنده به آن‌ها هشدار می‌دهد تا دل‌های آماده به خود آیند و راه بازگشت به‌سوی خدا را پیدا کنند؛ در بخش پنجم، بحث‌های فشرده‌ای درباره معاد بیان کرده است؛ در بخش ششم از حاکمیت خداوند بر عالم هستی و نفوذ فرمانش در همه جهان سخن می‌گوید؛ سرانجام در بخش هفتم باز هم سخن از قیامت، حساب، جزا و پاداش نیکوکاران، و کیفر بدکاران به‌میان می‌آورد و با بیان هدف آفرینش انسان سوره را پایان می‌دهد. به این ترتیب محتوای این سوره مجموعه‌ای از درس‌های اعتقادی و عملی و مسائل بیدارکننده و بیان خط سیر مؤمنان از آغاز تا پایان است (مکارم شیرازی ۱۴۲۱ ق: ج ۱۰، ۴۱۴).

۲.۲.۴ کاربرد نبودن نکات ادبی و ترکیبی

یکی از روش‌های تفسیر قرآن کریم استفاده از مباحث ادبی و لغوی است که در این روش مفسر با بررسی نکات ادبی و بلاغی به برداشت‌های تفسیری متعددی دست می‌یابد، برای نمونه، در آیه ۷ سوره آل عمران «مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ»، اگر «واو» را

استینافیه بگیریم، آیه به گونه‌ای تفسیر می‌شود و اگر آن را «واو» عطف بگیریم، آیه به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌شود.

در این کتاب مؤلف محترم غالباً به ذکر نکته‌های ادبی، بلاغی، و ترکیب نحوی کلمات و جملات بسنده کرده و عملاً وارد برداشت‌های تفسیری با استفاده از مباحث ادبی و صرفی و نحوی نشده است. بنابراین صرفاً با بیان نقش کلمات در جملات و بیان وجوه ادبی و بلاغی آن‌ها، بدون برداشت‌های تفسیری، عملاً کاربرد نکات ادبی در تفسیر قرآن را نادیده گرفته است. این کتاب منبع درسی تفسیر برای گرایش رشته‌های علوم قرآن و حدیث و درسی تخصصی است؛ بنابراین مؤلف محترم باید در کتاب صرف و نحو و ادبیات کاربردی در تفسیر قرآن اشاره می‌کنیم که نشان می‌دهد ادبیات کاربردی به چه اندازه در فهم آیات قرآن کریم مؤثر است:

از نکات مهم در فهم آیات توجه به سیاق آیات و ارتباط و عطف آیات به یکدیگر است که تفسیر آیه واضح می‌شود (معارف ۱۳۸۷: ۱۹۱). آیه ۱۶ سوره مبارکه نور «وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» عطف به آیه ۱۲ همین سوره است و با توجه به آیات قبل، این آیه برای بار سوم مؤمنان را توبیخ می‌کند که چرا وقتی داستان افک را شنیدند آن را رد نکردند و نگفتند که این صرفاً افترایی آشکار است. هم‌چنین در این آیه کلمه «سبحانک» از جنبه ادبی و بلاغی جمله‌ای معترضه است و بر همین اساس برداشت می‌شود که هر جا قرآن می‌خواهد کسی را منزّه از عیب معرفی کند، برای رعایت ادب نخست خدا را تنزیه می‌کند. در این آیه نیز با ذکر جمله‌ای معترضه خدا تنزیه شده است. بنابراین توجه به عطف آیه به ماقبل و هم‌چنین توجه به معترضه بودن کلمه «سبحانک» به ما در فهم و داشتن برداشت صحیحی از آیه کمک می‌کند (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۵، ۹۲).

در مورد واژه «طفل» در آیه ۵ سوره مبارکه حج «...نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً...» مفردی است که اراده جمع بر آن شده است و دلیل این که کلمه مذکور را، باین که مقصود جمع است، مفرد آورده است این است که این کلمه مصدر است و در مصدر مفرد به جای جمع استعمال می‌شود، مثل این که هم می‌گویند: «رجل عدل» و هم می‌گویند: «رجال عدل» (طبرسی ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ۱۱۴؛ آلوسی ۱۴۱۵ ق، ج ۹، ۱۵۴؛ طبری ۱۴۱۲ ق: ج ۱۷، ۱۲۲). بنابراین از مصدر بودن این کلمه جمع بودن طفل با توجه به ضمیر «کم» افاده می‌شود.

در آیه ۳۹ حج «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» حرف «باء» در جمله «بِأَنفُسِهِمْ ظَلَمُوا» «باء سببیه» است که همین خود علت اذن را می‌فهماند و می‌رساند: اگر مسلمانان را اجازه قتال دادیم، به این دلیل است که به آنها ستم می‌شد. اما این که فاعل این اذن را (که چه کسی اجازه داده است) ذکر نکرده و نفرموده است: «خدا اجازه داد؟» به منظور تعظیم و بزرگ‌داشت خدا بوده است، نظیر جمله «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» که قدرت بر یاری را خاطر نشان می‌کند و نمی‌گوید که خدا ایشان را یاری می‌کند، تا به این وسیله به این نکته اشاره کرده باشد که او این قدر بزرگ است که هیچ اعتنایی به این موضوع ندارد و برایش هیچ اهمیتی ندارد، چون برای کسی که بر هر چیز قادر است مشکلی نیست که دوستان خود را یاری کند (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۴، ۳۸۴).

از این گونه برداشت‌های ادبی - کاربردی که در فهم کلام الله مجید مؤثر است بسیار وجود دارد و تفاسیری هم چون تفسیر کشاف زمخشری، جوامع الجامع طبرسی و البحرالمحیط اندلسی با رویکرد ادبی - بلاغی این گونه نوشته شده‌اند.

۳.۲.۴ دقیق نبودن ترجمه برخی آیات

با مقایسه این ترجمه و ترجمه‌های دیگر مشخص می‌شود ترجمه آیات این کتاب بسیار نزدیک به ترجمه آیت الله مکارم شیرازی است و در اکثر موارد ترجمه‌ها عین هم است. برای مثال در ترجمه آیات ۴ و ۵ سوره مبارکه حجرات در ترجمه آیت الله مکارم شیرازی آمده است: «(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیش ترشان نمی‌فهمند! (۴) اگر آنها صبر می‌کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود و خداوند آمرزنده و رحیم است! (۵)». ترجمه این دو آیه در کتاب دقیقاً عین همین عبارات است، به جز این که کلمه «رحیم» در آیه ۵ به مهربان ترجمه شده است. لذا برخی کاستی‌هایی که در ترجمه آیت الله مکارم وجود دارد در این ترجمه نیز وجود دارد. در آیه ۳ سوره حجرات در عبارت: «أُولَئِكَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ قُلُوبُهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» این ترجمه عیناً از ترجمه آیت الله مکارم چنین ذکر شده است: «آنها که صدای خود را نزد رسول خدا پایین می‌آورند کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای تقوا خالص کرده است». در این آیه بدون هیچ دلیل سیاقی، لفظی، روایی، ادبی، تفسیری کلمه «آمنوا» به «خالص» ترجمه شده است T در حالی که بیش تر مترجمان کلمه «آمنوا» را در این آیه به «ابتلا و آزمایش» تفسیر کرده‌اند.^۲ علامه طباطبایی ذیل آیه توضیح می‌دهد:

امتحان را وقتی به کار می‌برند که بخواهند وضع چیزی که تاکنون برایشان مجهول بوده معلوم کنند و چون این معنا در مورد خدای متعال محال است، ناگزیر باید امتحان در مورد خدای تعالی را به معنای تمرین دادن و عادت دادن و یا امتحان به معنای محنت و مشقت دادن به قلب معنا کنیم و بگوییم خدای تعالی این مشقت‌ها را بر دل‌ها تحمیل می‌کند تا قلب‌ها به تقوی عادت کنند (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۸، ۳۱۰).

آیه ۸۹ سوره مبارکه واقعه «فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةُ نَعِيمٍ» عیناً همانند ترجمه آیت‌الله مکارم آمده است، بدون این که دو کلمه «روح» و «ریحان» ترجمه شود: «در روح و ریحان و بهشت پر نعمت است». در کتب لغت روح به معنی بوی خوشی که انسان استنشاق می‌کند و آرامشی که به او دست می‌دهد و ریحان به معنای نعمت آمده است (ابن منظور ۱۴۱۴ ق: ج ۲، ۴۵۹؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق: ۳۶۹؛ قرشی ۱۳۷۱، ج ۳، ۱۳۱).^۳ هر چند مفسر محترم در نکته‌های ادبی و ترکیبی، با استفاده از منابع، ترجمه و تفسیری از روح و ریحان ارائه داده است، در ترجمه آیات آن را لحاظ نکرده است.

به‌طور کلی در بحث ترجمه شایسته بود مترجم محترم صرفاً به ترجمه آیت‌الله مکارم تکیه نمی‌کرد و با توجه به مباحث تفسیری در بحث ترجمه ابتکار و خلاقیت به خرج می‌داد و نواقص موجود را که چند نمونه از آن ذکر شد برطرف می‌کرد.

۴.۲.۴ ذکر نکردن نکات تفسیری برخی از آیات

مؤلف محترم در برخی موارد به‌طور مختصر و موجز آیات را تفسیر کرده و گاهی به تفسیر آیات در حد ترجمه اکتفا کرده است. برای نمونه آیات ۸۱ تا ۹۰ سوره مؤمنون در حد یک‌و‌نیم صفحه تفسیر شده است که غالباً ترجمه است و موارد زیادی در این آیات مثل آسمان هفت گانه، عرش توحید ربوبی، و ... جهت تفسیر وجود دارد که مؤلف محترم متعرض بحث‌های تفسیری آن‌ها نشده است. تفسیر آیات ۶۷ تا ۷۲ سوره حج در حدود دو صفحه بیان شده است که همین موجز بیان کردن تفسیر آیات سبب خلل در مباحث تفسیری شده و از جنبه تفسیری حق آیات ادا نشده است.

۵.۲.۴ استفاده ناقص و ناکافی از روش تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که در این اثر در تفسیر آیات خیلی کم از این روش استفاده شده است. مثلاً در سوره حجرات بحثی درباره عوامل حبط اعمال ارائه شده است که مؤلف محترم با بررسی واژه «حبط» شش عامل را سبب حبط

اعمال معرفی می‌کند، اما با عنایت به فقدان بررسی واژه حبط و معنای آن تفسیر کاملی از «حبط اعمال» ارائه نشده است و آیات دیگری که مرتبط به حبط اعمال است ذکر نشده است. در صورتی که مؤلف محترم همانند بحث زیر حبط اعمال را توضیح می‌داد، تفسیر کامل و بهتری از این موضوع قرآنی ارائه می‌شد:

«حبط» در اصل به این معنی است که چهارپایی آن قدر بخورد که شکمش باد کند و چون این حالت سبب فساد غذا و بی‌اثر بودن آن می‌شود، این واژه به معنی باطل و بی‌خاصیت شدن به کار می‌رود (راغب اصفهانی ۱۴۱۲ ق: ۲۱۶؛ مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۲، ۱۵۷). «حبط» در آیه ۱۶ سوره هود هم ردیف باطل ذکر شده است و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ». هم‌چنین در این دو آیه، که میان کفار و مؤمنان مقابله انداخته و به آن‌ها فرموده است اعمالتان حبط شده است و به این‌ها می‌فرماید: مواظب باشید عملتان باطل نشود، دلالت بر این دارد که حبط به معنای بطلان عمل است. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ شَاقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيُحِبَطُّ أَعْمَالُهُمْ* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳۲-۳۳). هم‌چنین در بعضی آیات به جای احباط بطلان به کار رفته است؛ مثل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْوَالِدِي» (بقره: ۲۶۴)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳) و در آیات دیگر از آن به غبار پراکنده و خاکستر بر باد رفته تعبیر شده است: «وَ قَدِمْنَا إِلَيْمَآ عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا»^۴ «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْعَبِيدُ»^۵؛ بنابراین حبط و احباط از نظر قرآن این است که کسی عملی را انجام دهد و اجر و ثوابی نداشته باشد (داورپناه ۱۳۷۵: ج ۴، ۱۰۷؛ نجفی خمینی ۱۳۹۸ ق: ج ۲، ۳۳). در عوامل حبط اعمال آیاتی که به بطلان اعمال اشاره دارد نیز از مصادیق حبط اعمال است. همانند موضوعات و آیات:

- منت و اذیت در پی احسان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْوَالِدِي» (بقره: ۲۶۴)؛

- اطاعت نکردن از خدا و رسول: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳۳).

ضمن این‌که کفر، قتل پیامبران، و امر به معروف‌کنندگان طبق آیات «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ

الْبِمِّ * أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (آل عمران: ۲۲) که از عوامل حبط اعمال است و با واژه «حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ» نیز ذکر شده است در کتاب از عوامل حبط اعمال بیان نشده است.

هم چنین برای تبیین واژه ذکر در آیه ۷۱ سوره مؤمنون «بَلْ أَتَيْنَاهُمُ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ» مؤلف محترم می توانست از روش تفسیر قرآن به قرآن و با رجوع به سایر آیات «مفهوم ذکر» را مشخص کند. بدون شک مراد از «ذکر» قرآن کریم است، هم چنان که در آیه ۵۰ سوره انبیاء آن را ذکر نامیده و فرموده است: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ» و نیز در آیه ۴۴ سوره زخرف فرموده است: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ»، هم چنین در آیاتی دیگر.

از این گونه موارد در تفاسیر آیات زیاد است که جا داشت مؤلف محترم با روش تفسیر قرآن به قرآن شرح و تبیین بهتری از آیات ارائه دهد.

۶.۲.۴ ضعف در ارجاع دهی و مستند کردن مباحث

روش مؤلف در این کتاب از جنبه ارائه مستندات و منابع غالباً بر مبنای ذکر مستندات و ارجاع دهی مباحث است، اما در اثنا برخی از مباحث دقت های لازم علمی در استفاده از منابع و شیوه اسناددهی به عمل نیامده است که ضروری است در چاپ های بعدی برای رفع این نقائص اقدام شود.

- برای نمونه در صفحه ۳۴۵ به واقعه تاریخی از کتاب ثمرات الاوراق ارجاع داده می شود که این کتاب در بخش منابع و مأخذ ذکر نشده است. در همین صفحه روایتی از امام باقر بیان شده است که ارجاع ندارد؛

- در صفحه ۳۴۴، مؤلف بحثی تاریخی را از کتاب اقرب الموارد ذکر می کند، اما در پاورقی به کتاب المستطرف ارجاع می دهد! و در بخش منابع و مأخذ هیچ یک از این دو کتاب ذکر نشده است!

- در صفحه ۴۵۴ بحث تفسیری از کتاب راز آفرینش ارجاع داده شده است و در دو صفحه بعد مطلبی از تفسیر نمونه به نقل از کتاب راز آفرینش ارجاع داده شده است و در صفحه بعد از آن مجدداً از کتاب تفسیر نمونه به نقل از کتاب قرآن برفراز اعصار مستند شده است، در حالی که در مباحث علمی مؤلف باید از منبع اصلی استفاده کند و حتی الامکان از منابع واسطه و درجه دوم احتراز کند؛

- مؤلف در برخی موارد نظری را به برخی مفسران استناد می دهد، اما هیچ نامی در پاورقی از مفسران و یا کتاب آن ها نمی برد، مانند: نظرهای مفسران درباره ماهیت

ظلمت‌های سه‌گانه در صفحه ۲۷۴ که حدود یک صفحه اقوال گوناگونی را از مفسران بیان می‌کند، اما هیچ ارجاعی در پاورقی ارائه نمی‌دهد. در صفحه ۱۹۳ بحث تفسیری درباره عبارت «فیما ترکت» در آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون به نقل از بعضی از مفسران مطرح می‌کند، اما نامی از این مفسران در پاورقی نمی‌برد. در صفحه ۲۹۷ در توضیح بحثی ذیل موضوع «حجاب زنان سال‌خورده» دیدگاهی را به جمعی از فقها و مفسران منتسب می‌کند، اما به این فقها و مفسران و کتبی که این دیدگاه از آنان نقل شده است هیچ اشاره‌ای نمی‌کند. ذیل آیه ۶۳ سوره مؤمنون «بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَ لَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ» درباره تفسیر «لَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ» در صفحات ۱۷۲ و ۱۷۳ اقوال گوناگونی از مفسران بدون هیچ منبع و مستندی ذکر می‌کند.

۷.۲.۴ فقدان جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل بین اقوال مختلف تفسیری در برخی موارد

مؤلف محترم کتاب جهت تبیین مباحث تفسیری معمولاً به اقوال تفسیری مفسران مراجعه کرده است. این درحالی است که در برخی موارد نظرهای مفسران در یک موضوع تفسیری با هم متفاوت و حتی متضاد است. مؤلف در این اثر در برخی مباحث اقوال مفسران را ذکر می‌کند، اما بدون این که تجزیه و تحلیلی از نظرهای گوناگون ارائه دهد و یا نظری را حسب مستندات قرآنی، روایی، عقلی، تاریخی، و ... ترجیح دهد، جمع‌بندی صورت نمی‌دهد و عملاً بحث‌ها می‌شود.

برای نمونه ذیل آیه ۷۷ سوره مؤمنون «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ» درباره مفهوم عذاب دیدگاه‌ها و احتمالات مختلفی از قبیل مرگ، عذاب قیامت، قحطی شدید، ضربات شمشیر رزمندگان اسلام در میدان بدر در صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱ بیان شده است، اما براساس شأن نزول و سیاق آیات و روایات وارده هیچ‌یک از این احتمالات بر دیگر نظرها ترجیح داده نشده است.^۶

هم‌چنین در صفحات ۲۸۱ و ۲۸۲ ذیل آیه ۴۵ سوره نور بحثی درباره خلقت موجودات از آب را مطرح و سه قول را از مفسران در این خصوص بیان می‌کند، اما در نهایت هیچ قولی را ترجیح نمی‌دهد. در صفحه ۳۰۷ درباره شأن نزول آیه ۶۲ سوره نور دو سبب نزول ذکر می‌کند و بدون بررسی سند روایات، بحث رجالی، روایة الحدیث و درایة الحدیث و هم‌چنین بدون تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی روایات، صرفاً به نقل قول از روایات بسنده می‌کند.^۷

در برخی موارد نه تنها جمع‌بندی بین مباحث مختلف تفسیری صورت پذیرفته است، بلکه تفاسیر ارائه‌شده مختلف است: مثلاً در معنای جلباب در صفحه ۲۹۸ در روایتی از امام صادق از وسائل الشیعه ذکر می‌کند که معنای آن را چادر می‌گیرد، اما در صفحه ۳۰۲ در ترجمه آیه ۵۹ سوره احزاب در پرائتر جلباب را به (روسری‌های بلند) معنا می‌کند.

۸.۲.۴ فقدان مباحث تحقیقی و پژوهشی و تخصصی

این اثر کتابی دانشگاهی است که مخاطبان اصلی آن دانشجویان مقطع کارشناسی‌اند و به همین جهت، ضمن بیان مباحث آموزشی، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف شایسته است به مباحث تحقیقی و پژوهشی نیز توجه داشته باشد و دانشجویان را در این مسیر هدایت کند. سبک کتاب فاقد مباحث پژوهشی و یا حتی بیان سؤالات تفسیری و ذکر اهداف در ابتدای هر درس و یا فصل است؛ این درحالی است که در کتب درسی و آموزشی معمولاً ذکر اهداف، مقدمه، پرسش و پاسخ، و تحقیق و پژوهش امری متداول و مرسوم است.

زبان و ادبیات این کتاب با نثری روان و ساده نگاشته شده و برای عموم مردم قابل استفاده است، اما داشتن نثر روان و ساده لزوماً از ویژگی‌های کتاب علمی و دانشگاهی نیست. بهتر است کتاب علمی و دانشگاهی تحقیقی و تخصصی و فنی نیز باشد تا، ضمن ارتقا و رشد علمی دانشجویان، انگیزه تحقیق و پژوهش و طرح سؤالات جدید را در بین آنان ایجاد کند.

۵. نتیجه‌گیری

باتوجه به توضیحات ذکرشده در متن مقاله موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهای کاربردی برای بازبینی و ویرایش علمی کتاب مطرح می‌شود:

۱. با عنایت به این که این کتاب به‌عنوان منبعی برای درس تفسیر ترتیبی گرایش علوم قرآن و حدیث رشته الهیات پیش‌بینی شده است، در مرحله اول ضروری است به‌طور کامل با سرفصل‌های دروس تفسیر ترتیبی تطابق داشته باشد؛
۲. از آن جهت که دروس تفسیر ترتیبی به‌عنوان دروس تخصصی رشته علوم قرآن و حدیث محسوب می‌شود، شایسته است به غنای علمی مباحث تفسیری از جنبه فنی و تخصصی افزوده شود و سطح علمی آن فراتر از کتاب‌های تفسیر ساده و عمومی باشد؛

۳. یکی از ابعاد مهم پرداخت تخصصی به مباحث تفسیری توجه به وجود گرایش‌های و سبک‌ها مختلف تفسیری اعم از روایی، قرآن به قرآن، ادبی، کلامی، فلسفی، علمی، تربیتی، اجتماعی، تطبیقی و ... به همراه ذکر مبانی، اصول، و قواعد هر یک از این گرایش‌ها در کنار معرفی تفاسیر معتبر در هر یک از این گرایش‌هاست که ضرورت دارد در بازبینی مجدد علمی اثر به این نکته مهم توجه شود؛

۴. باتوجه به توضیحات ارائه شده در متن مقاله، ضروری است کتاب به شیوه درسی تألیف شود و مباحث تحقیقی و پژوهشی جهت رشد و ارتقای علمی دانشجویان نیز در آن پیش‌بینی شود؛

۵. برای استفاده از این اثر به عنوان منبع درس تفسیر ترتیبی در مقطع کارشناسی، ضروری است باتوجه به توضیحات فوق، ضمن حفظ محاسن ذکر شده، مجدداً ویرایش علمی صورت پذیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (نحل: ۴۴).
۲. بنگرید به ترجمه‌های مخزن العرفان، مجتبوی، فولادوند، گرم‌رودی، فیض الاسلام، مشکینی و ... که آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرومی‌کشند همان کسانی‌اند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان و آزمایش کرده است. آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.
۳. با عنایت به معنای لغوی مفسران نیز همین معنا را در تفسیر آن اراده کرده‌اند. بنگرید به طبرسی ۱۴۰۸ ق: ج ۹، ۳۴۴؛ زمخشری ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ۴۷۰. هم‌چنین تعدادی از مترجمان همین ترجمه را از آیه ارائه داده‌اند. بنگرید به ترجمه مصباح‌زاده، معزی، شعرانی، فیض الاسلام، و ...
۴. «و به هرگونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم» (فرقان: ۲۳).
۵. «مَثَلُ كَسَانِي كِه بَه پَروردگار خود کافر شدند کردارهایشان به خاکستری می‌ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد: از آنچه به دست آورده‌اند هیچ [بهره‌ای] نمی‌توانند بُرد. این است همان گم‌راهی دور و دراز» (ابراهیم: ۱۸).
۶. با بررسی شأن نزول آیه مشخص می‌شود که آیه مربوط قحطی و خشک‌سالی شدید مکه است. (جرجانی ۱۳۷۷: ج ۶، ۲۵۷). ضمن این‌که با بررسی سیاق آیات عذاب شدید به قحطی و خشک‌سالی نزدیک‌تر است تا سایر احتمالات دیگر. آیات درمقام پاسخ به کسانی است که از پیامبر درخواست کردند تا حضرت در حق ایشان لطف و رحمت کند و در ادامه آن بیان می‌کنند:

«اگر ما بر آنها رحمت کنیم و این رنج و قحط از ایشان زائل کنیم، آنها مجدداً استکبار و گردن‌کشی می‌کنند، ندیدی چون در روز بدر شکست خوردند باز متنبه نشدند و سر تواضع و تسلیم فرود نیاورند و از آنچه بودند بهتر نگشتند.» «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا» تا آن‌که بر آنان دری از درهای عذاب سخت بگشودیم و آن قحطی و گرسنگی است که سخت‌تر از کشتن و اسیرکردن است و آنان در آن عذاب ناامید شدند. آن‌گاه آنان را توبیخ و ملامت کرد و نعمت‌هایی را که به آنان داد به یادشان آورد و گفت: «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ». اوست آن خدای که به شما گوش‌ها و چشم و دل‌ها که آلت شنیدن و دیدن و دانستن است داد و شما شکر خدا را کم به‌جای آوردید». درکنار برداشت‌های تفسیری از سیاق آیات، روایات تفسیری وارده نیز عذاب شدید را به خشک‌سالی تفسیر کرده‌اند که به دنبال نفرین پیامبر بر اهل مکه نازل شد (عروسی الحویزی ۱۴۱۵ ق: ج ۳، ۵۵؛ اندلسی ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ۱۵۲). درکنار تفسیر این آیه، تأویلی از این آیه توسط ائمه صورت پذیرفت و آن را به رجعت حضرت علی تأویل کردند (فیض کاشانی ۱۴۱۵ ق: ج ۳، ۴۰۶؛ بحرانی ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ۳۲). تأویل احادیث به‌معنایی ذکر باطن آیات است که تنها توسط معصومان بیان می‌شود (معارف: ۲۰۵)، که جا داشت مؤلف محترم در تبیین و تفسیر و تأویل آیه از روایات استفاده کند.

۷. مؤلف در این کتاب کلاً دأبی بر بررسی سندی و محتوایی روایات نداشته است. مثلاً در بحث فضیلت تلاوت سوره‌ها، غالب روایات فضائل السور را از ابی بن کعب از پیامبر نقل کرده است؛ این درحالی است که نقدهای جدی‌ای به روایات فضائل السور ابی بن کعب از سوی حدیث‌پژوهان وارد شده است. آیت‌الله خویی معتقد است: «در این حدیث (فضائل السور ابی ابن کعب) تحقیقی به‌عمل آمده است و نتیجه تحقیق این بوده است که راوی حدیث می‌گوید: این حدیث را من با گروه دیگری به‌دروغ از پیش خود ساخته و در دست‌رس مردم گذاشتیم» (خویی بی تا: ۴۸). حداقل این نقدها این است که این‌گونه روایات تفسیری جزء روایات آحاد محسوب می‌شود و در مورد حجیت و یا عدم حجیت خبر واحد و ظنی بودن آن بین دانشمندان علوم اسلامی اختلاف دیدگاه وجود دارد (دیاری بیدگلی ۱۳۹۰: ۳۶). در مورد فقدان تجزیه و تحلیل روایی می‌توان به صفحه ۳۳۱ کتاب اشاره کرد که چندین روایت در آن ذکر کرده است، ضمن فقدان ارجاع سندی، پذیرش این‌گونه احادیث کمی دشوار است.

کتاب‌نامه

قرآن مجید، ترجمه‌های محمد مهدی فولادوند، مجتبی، گرم‌رودی، فیض الاسلام، مشکینی، مصباح‌زاده، معزی، شعرانی.

آلوسی البغدادی، شهاب‌الدین سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن الأثیر الجزری، عزالدین أبو الحسن علی بن محمد (۱۴۰۹ ق)، *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت: دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

اندلسی، ابن عطیه (۱۴۲۲ ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، به تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دار الکتب العلمیه.

بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱)، *منحزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران: نهضت زنان مسلمان.

بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد بعثت.

جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن (۱۳۷۷)، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، تهران: دانشگاه تهران.

جلالیان، حبیب الله (۱۳۷۸)، *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، قم: اسوه.

حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۷)، *أسباب النزول*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

خویی، سید ابوالقاسم (بی تا)، *البيان فی تفسیر القرآن*.

داورپناه، ابوالفضل (۱۳۷۵)، *انوار العرفان فی تفسیر القرآن*، تهران: صدر.

دیاری بیدگلی، محمد تقی (۱۳۹۰)، *آسیب شناسی روایات تفسیری*، تهران: سمت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، به تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.

رجبی، محمد (۱۳۸۳)، *روش تفسیر قرآن*، تهران: مؤسسه پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۰)، *درس‌نامه روش‌های تفسیر قرآن*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت: دار الفکر المعاصر.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ ق)، *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.

شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۹)، *مبانی و روش‌های تفسیر*، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: الاسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه للطباعة و نشر.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم: اسماعیلیان.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: الصدر.

قاسمی، محمد جمال‌الدین (۱۴۱۸ ق)، *محاسن التاویل*، به تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه.

قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۹۲)، *تفسیر یازده سوره از قرآن کریم*، تهران: سمت.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معارف، مجید (۱۳۸۷)، *شناخت حدیث مبانی فهم متن*، اصول نقد سند، تهران: نبأ.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ ق)، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- نجازادگان، فتح الله (۱۳۹۰)، *بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین*، قم: سمت.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ ق)، *تفسیر آسان*، تهران: اسلامیه.
- الهاشمی البصری، ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، به تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

